

تجلی مهر مادری در خلق تابلو «ظهر عاشورا»



بهاره خسروی وقتی با استاد

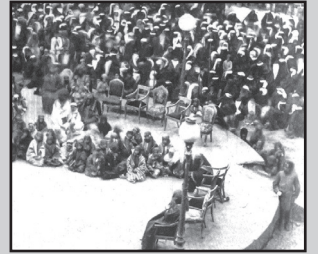
محمود فرشچیان صحبت از راز و رمز خلق یک اثر جاودانه مثل تابلو ظهر عاشورا می‌کنیم آن را حاصل جوش و خروش درونی و پیوند معنوی می‌خواند و از نقش یک زن در آفرینش این تابلو بر ایمان می‌گوید و در عین حال، اعتراف می‌کند که «هر کاری که می‌کنم، من انجام نمی‌دهم، خودشان دست آدم را می‌گیرند.»

استاد با خواندن این شعر «من نه به اختیار خود می‌روم از قفای تو/ کان دو کمند عنبرین می‌کشدم کشان کشان» ماجرا را اینگونه تعریف می‌کند: «مادر من عشق و علاقه عجیبی به امام حسین (ع) داشت. به‌عنوان مثال بارها اتفاق می‌افتاد که حتی در مراسم مولودی امام حسین (ع) از شدت محبت زیاد به این امام همام و مصایبی که بر ایشان اتفاق افتاده بود شروع به گریه می‌کرد. حال دیگر بماند که در مراسم عزای سیدالشهدا (ع) این شور و حرارت چندین برابر می‌شد.»

فرشچیان در یکی از دهه‌های محرم دقیقاً در ظهر عاشورا در خانه بوده و حس و حال عجیبی داشته است: «مادرم که من را در خانه تنها دید و از اینکه به هیچ مراسمی نرفته‌ام ناراحت شد و گفت تمام همسن و سال‌های تو در مراسم مشغول عزاداری و خدمت به سید و سالار شهیدان هستند اما تو در خانه نشسته‌ای؟ این حرف مادرم به همراه حس و حال عجیبی که وجودم را گرفته بود من را راهی اتاق کارم کرد و پشت بوم رفتم. ناگاه قلم به دست گرفتم و طرح اولیه تابلو ظهر عاشورا را در زمان اندکی کشیدم و حتی قسمتی از رنگ‌بندی آن را نیز انجام دادم.» استاد تأکید می‌کند که هنوز نمی‌داند چگونه این اثر خلق شد، «اما هر چه بود عنایت خداوند و توجه ویژه سیدالشهدا (ع) بود که توانستم به قول بسیاری از صاحب‌نظران، اثری جاودانه خلق کنم. در فاصله کوتاهی از خلق این اثر، پیشنهادهای بسیاری با مبالغه‌گفتی به من برای خرید این اثر ارائه شد، اما چون این کار را عنایت الهی می‌دانستم به هیچ کدام پاسخ مثبت ندادم، چرا که آن را برای کسب درآمد خلق نکرده بودم.»

فرشچیان پس از مدتی این اثر را برانزده حرم مطهر حضرت رضاع (ع) می‌بیند و فارغ از هیچ‌گونه چشمداشت مادی آن را به آستان قدس رضوی تقدیم می‌کند. او می‌گوید: «از زمان کودکی بارها به زیارت حرم مطهر ابا عبدالله الحسین (ع) رفته بودم. یادم می‌آید وقتی ۱۲ سالم بود همراه مادرم ۶ ماهه در کربلا زندگی می‌کردم. یکبار هم در زمان جنگ جهانی دوم با وجود مشکلات بسیار به کربلا رفتم. در آن زمان تمام وسایل نقلیه در اختیار سربازان جنگی بود و ما با واگن‌های باری که خرما می‌کشیدند با وضعیت بسیار سختی رفتیم. خلاصه مادرم با عشق و علاقه خاصی ما را چندبار به زیارت برد.»

روضه‌خوانی ملاهای خانم در مجالس زنان



زنان

روی صحنه نمایش آیینی

روایت جهانگردان خارجی و نویسندگان داخلی از نقش آفرینی زنان در شبیه‌خوانی و تعزیه‌گردانی



به تدریج راه ورود زنان به صحنه‌های اجتماعی گشوده شد. زنان در دوره ناصرالدین شاه، فرصتی یافتند تا در تو پاسداشت سنت‌های عاشورایی، با حضور در تعزیه و نیز مراسم مذهبی به صحنه بیایند و در ماندگاری و توسعه آن نیز تأثیرگذار باشند.

سروش جنابی از زمانی که آل بویه شیعی بر مسند قدرت سیاسی تکیه زدند و آیین‌های شیعی را رسمیت بخشیدند تا زمان صفویان این سنت‌ها به شکل‌های مختلفی تداوم یافتند. اما در همه این ادوار، مردان نقش آفرین بودند تا اینکه در زمان قاجار بنا به مشاهدات جهانگردان خارجی و خاطره‌نویسان درباری،

وقف اموال برای برپایی تعزیه

هنریش بروگش در سفرنامه‌اش ذکر کرده است که آنچه در ماه محرم بیش از همه برای زنان اثر بخش و مایه قوت قلب بود برگزاری مراسم تعزیه بود؛ این مراسم طی سال‌ها تداوم و نوآوری در ابعاد آن، در فرهنگ مردم ریشه دوانده و تبدیل به مراسمی شده بود که هر ساله اجرا می‌شد. در گوشه و کنار شهر خانواده‌های متمول برای آن هزینه‌ها صرف و حتی برخی اموالشان را در این راه وقف می‌کردند.

بنا به نوشته منابع تاریخی، زنان به نمایش مذهبی تعزیه به‌علاوه وابستگی عمیقی داشتند و بیش از مردان در آن حضور می‌یافتند. محل نشستن زنان را طناب می‌کشیدند و زنان هنگام شروع تعزیه رویندهای خود را بالا می‌زدند. زنان از هر طبقه که بودند به‌صورت مختلط در مکان مخصوصی که برای بانوان ساخته شده بود، می‌نشستند. حین اجرای مراسم صدای شیون و زاری زنان بیش از مردان بود و زمان روضه حضرت عباس (ع) صدای گریه‌شان بلندتر می‌شد و خاکستر و کاه بر سر می‌ریختند. هانری رنه دالماتی تأکید می‌کند که وقتی یزید سوار بر اسب در صحن ظاهر می‌شد زمان عبور از کنار تماشاچی‌ان، زنان آب دهانشان را به‌سوی او پرتاب و زیر لب او را لعنت می‌کردند.

خرید لباس و پارچه سیاه قبل از محرم

«هر جا تعزیه‌ای برپا می‌شد، جمعیت زیادی به خصوص زن‌ها در آن حاضر می‌شدند.»؛ عبدالله مستوفی با بیان این مطلب می‌افزاید که زنان مدت‌ها پیش از آغاز محرم برای شرکت در مراسم مربوط به این ایام خود را مهیا می‌کردند؛ برای خرید لباس و پارچه سیاه به مغازه‌ها می‌رفتند و از اول محرم تا آخر صفر سیاهپوش می‌شدند. جالز جیمس ویلس می‌نویسد: «زنان پس از آغاز محرم در مساجد، حسینیه‌ها و مکان‌های برگزاری تعزیه حضور می‌یافتند و گاهی با مختصر غذا و قالیچه‌ای به‌دنبال جای مناسب می‌گشتند که بتوانند در بهترین شرایط کسب فیض کنند و حتی بعضی از زن‌های متمول و معروف از طریق خدام خود مکان مناسبی را از قبل نشان می‌کردند.»

